

عامل دلزدگی از تقوا/ چرا خیلی‌ها زندگی اهل تقوا را سرد و بی‌مزه می‌دانند؟/ آسیب‌شناسی امر ترجمه

مفاهیم معنوی/ راه عملی‌تر برای ایجاد محبت نسبت به تقوا چیست؟

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت الاسلام **علیرضا پناهیان** اخیراً به چاپ هفتم رسید. یکی از اولین نکاتی که پس از مرور فهرست و متن کتاب «شهر خدا» متوجه می‌شوید این است که این کتاب صرفاً درباره‌ی اسرار و آداب ماه رمضان نیست؛ بلکه به تناسب رازهای این ماه، به برخی پرسش‌های جوانان پاسخ می‌دهد و عملاً «دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی» را ارائه کرده است. و البته ناشر در ابتدای کتاب به این نکته اشاره کرده است. در روزهای گذشته، بخش اول تا سوم گزیده‌ی این کتاب که مستقیماً به سوالاتی در مورد ماه رمضان پاسخ می‌داد با عنوان کلی «رازهای روزه‌داری» منتشر شد. اکنون در روزهای پایانی این ماه معنویت و عبادت، گزیده‌هایی از مباحث معنوی و اخلاقی این کتاب را طی چند شماره و با عنوان «دوره‌ای مختصر از مباحث معنوی و اخلاقی» منتشر می‌کنیم. **قسمت ششم** از این مجموعه را در ادامه می‌خوانید. در قسمت پیشین، در مورد معنای تقوا و اهمیت آن صحبت شد. اینک ادامه‌ی بحث تقوا را می‌خوانید:

{ ۱. دلبری تقوا }

علاقة انسان‌ها به رفتار فعالانه و توجه به گرایش‌های مثبت خود

حالا باید پرسید چرا در جریان معنا کردن تقوا، بر وجه ایجابی و اثباتی آن، در مقام انگیزه و عمل تأکید ورزیدیم؟ و چه فایده‌ای بر توجه به این بعد، مترتب است؟

ما آدم‌ها معمولاً دوست نداریم صرفاً رفتار و انگیزه‌های منفعلانه داشته باشیم؛ و حق هم هست. علاقه داریم با عملکرد فعالانه به کارهای مثبت بپردازیم؛ و در کنار توجه به ترس‌ها و هراس‌ها، به علاقه‌ها و عاطفه‌های مثبت خود نیز توجه کرده، با تجلی دادن آنها، به سوی دوست‌دوستی‌های خود قدم برداریم. ما فقط دشمن نداریم، دوست‌دوستی‌ها و آرمان‌هایی هم داریم، که نه تنها بد نیستند، بلکه بسیار ارزشمند و خوب هم می‌توانند باشند.

ضرورت توجه به زیبایی‌های تقوا، در کنار بعد سلبی آن

اگر برای ما تقوا طوری معرفی بشود که تنها بعد سلبی آن مورد توجه قرار گیرد، آن‌گاه ما صرفاً خود را به تقوا «مجبور» خواهیم دید؛ و از سر «اضطراب» با آن کار خواهیم داشت. در حالی که باید تقوا بر ایمان محبوب نیز باشد؛ و غیر از ضرورت، زیبایی آن را هم ببینیم، و از تصور تحقق آن در روح خود احساس لذت بکنیم.

دین زیبایی‌های یک امر معنوی، و محبوب قرار دادن آن در دل، یک امر خدایی است، که فرمود: «وَ لَکِنَّ اللّٰهَ حَبِیْبُ الْیَکِیْمِ الْاِیْمَانِ وَ زَیْنَةُ فِیْ قُلُوْبِکُمْ؛ و اما خدا ایمان را محبوب شما نمود و آن را در دل‌هایتان بیاراست.» (۱) تردیدی نیست با جامع‌نگری و درک دقیق داشتن از مفاهیم دینی، می‌توانیم به درک زیبایی‌های این مفاهیم و درج محبت آنها در دل بهتر دسترسی پیدا کنیم.

عامل دلزدگی از تقوا

اگر در دل تقوای خوبان، آن عشق و اشتیاق را ببینیم، و برداشت غلطی از تقوا داشته باشیم، از دور نسبت به تقوا دل‌زدگی پیدا خواهیم کرد؛ امری که برای خیلی از آدم‌ها رخ داده است. مثلاً فکر می‌کنند اهل تقوا فقط دارند می‌ترسند؛ فرار می‌کنند؛ مدام مانند مریض‌هایی که دستور پرهیز غذایی دارند، و خودشان هم از وضعشان ناراضی‌اند، پرهیزگاری می‌کنند، و دست به سیاه و سفید دنیا نمی‌زنند؛ چون از خدا حساب

می‌برند، و جرأت خطا به خود نمی‌دهند؛ آن‌هم با تصور ابتدایی و غلطی که عوام از مفهوم خداترسی دارند؛ که آرامش و اطمینان را از زندگی انسان سلب می‌کند؛ چه رسد به محبت، که اساساً در چنین فضایی نوبت به آن نمی‌رسد. چرا خیلی‌ها زندگی اهل تقوا را سرد و بی‌مزه می‌دانند؟ آیا ناشی از همین‌گونه تصورات ناقص و در نتیجه باطل نیست؟

توجه به جنبه‌های ایجابی تقوا، یکی از عوامل دلبری تقوا

در حالی که اگر به بخش‌های ایجابی تقوا نگاه کنیم، همان‌گونه که در دل ترس یک مادر، در جریان نگهداری کودک دلینش، ابتدا موجی از عاطفه و عشق را می‌بینیم، در باطن ترس اهل تقوا هم ابتدا چنین امواجی را مشاهده خواهیم کرد. و همان‌طور که در چشم‌های نگران و محافظه‌کار یک مادر، که با شدت و حدت از هر عاملی که فرزندش را به‌خطر بیندازد، پرهیز می‌کند، امیدها و آرزوهای لطیف و ظریفی را مشاهده می‌کنیم، در متن پرهیز باتقواها هم، نور زیبایی امید و آرزوهای دوست‌داشتنی خاصی را ملاحظه خواهیم کرد.

همچنان‌که یک مادر نسبت به کودک خود، اهل ترس و نگرانی است، هیچ‌گاه صرفاً منفعلانه عمل نمی‌کند و فعالانه برخورد کردن او را در پرورش کودکش به‌راحتی می‌توانیم ببینیم، در منش اهل تقوا نیز یک فعالیت مداوم و خستگی‌ناپذیری برای رشد گوهر معنویشان را می‌توانیم احساس کنیم.

یکی از عوامل مهم دلبری مفاهیم معنوی این است که تجلی آن مفاهیم را در وجود اهل آن و تحقق آن را در رفتار ایشان ببینیم.

راه عملی‌تر برای ایجاد محبت نسبت به تقوا

راستش اشکال اینجاست که آدم درست و حسابی باتقوا کمتر دیده‌ایم. و الا باید تاکنون تقوا از ما خیلی دلبری کرده باشد. غیر از آنچه در زمینه آگاهی کامل و نگاه جامع نسبت به مفهوم تقوا گفته شد، راه عملی‌تری که برای ایجاد محبت نسبت به تقوا می‌توانیم در پیش بگیریم این است که لباس تقوا را در قامت برانزده‌ی اهل تقوا نظاره کنیم. بی‌شک دل که چه عرض کنم، روح از جسم ما خواهد ربود.

این اتفاقی است که یکبار افتاده است. آقای همام که شأن او خطبه‌ی همام را نازل کرد و به دلیل اصرار او، توصیف متقین بر لبان دُرربار امیرالمؤمنین (رضی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم) جاری شد، آن‌قدر مست و مدهوش اوصاف اهل تقوا شد، که در همان سرمستی و دلدادگی جان داد و روحش برای ابد به آسمان‌ها پرواز کرد.

برای علاقه‌مند شدن به تقوا کافی است یک متقی را از نزدیک ببینیم؛ با او زندگی کنیم و ظرائف فضائلش را احساس کنیم. آن‌وقت مسحور زیبایی‌های وصف‌ناشدنی او خواهیم شد. که امام صادق (ع) فرمود: «الْمُتَّقِيُّ مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِیقٍ؛ متقی نزد هر فرقه‌ای محبوب است.» (۲) مگر ممکن است متقی را ببینیم و شیفته‌ی او نشویم؟

{ ۲. غلبه ترس و ترک در تقوا }

آسیب‌شناسی امر ترجمه مفاهیم معنوی

اما راستی چرا در بیان معنا و مصداق تقوا، وجه سلبی و خوفی آن معمولاً غلبه پیدا می‌کند؟ و آیا بهتر است که این‌چنین نباشد؟ آیا تعلیمات و تبلیغات دینی ما دچار آشفتگی است، یا تصورات ابتدایی ما از تقوا «طبیعتاً» دچار چنین آسیب‌هایی می‌شود؟

شکی نیست که جریان تعلیم و تبلیغ مفاهیم دینی و معنوی، به توسعه و تکامل مداوم نیازمند است؛ و امید به بهبود و رفع کمبودهای آن فراوان. اما در مورد تقوا و بسیاری از مفاهیم معنوی، باید به آسیب‌های رایج در مقام برداشت‌های ابتدایی توجه داشت.

به‌رحال مفاهیم معنوی به‌سادگی قابل معاینه و قابل مقایسه با امور مادی که فهمیدنی‌ترند، نیستند؛ و از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردارند. این موجب می‌شود، که ما همیشه احتمال هر نوع سطحی‌نگری و سوء‌برداشت را برای خود بدهیم. چون هم تجربیات معنوی به‌سادگی قابل انتقال نیستند و هم درک آدم‌ها، با همه تفاوت‌هایی که دارند، به‌سادگی و در یک سطح با مفاهیم کنار نمی‌آیند. و این، کار تفهیم و تفاهم را دشوار می‌کند. خصوصاً آنکه در فضای فعلی جامعه بشری، دشمنان معنویت هم بیکار ننشسته‌اند، و با انواع وسایل از هر نوع به اشتباه انداختن فروگذار نمی‌کنند.

علت غلبه جنبه سلبی تقوا: ۱. تقدم رفع خطر بر جلب منفعت ۲. وسعت دامنه تخریبی یک اشتباه

اما در مورد تقوا باید گفت: یک حقیقت مهم باعث غلبه جنبه سلبی تقوا بر جنبه ایجابی آن می‌شود. و آن این است که اولاً به طور طبیعی خوف و برطرف کردن خطر، همیشه خود را بر شوق و جلب منفعت مقدم می‌دارد.

شما اگر به چیزی علاقه داشته باشید، و به آن دست یافته باشید، اگر خطری آن را تهدید کند، قبل از هر چیز ابتدا از آن رفع خطر می‌کنید. و اگر به آن دست‌نیافته باشید، ولی امید دست‌یابی به آن برای شما وجود داشته باشد، در صورتی‌که عواملی بخواهند شما را برای همیشه از آن محروم کنند، ابتدا آن عوامل را از بین می‌برید؛ که امید برای وصال به مطلوب باقی بماند و امکان تلاش از بین نرود. این یک استدلال عقلی بر اساس درکی است که از انسان داریم.

ثانیاً، در مورد تقدم «ترک بدی‌ها»، نسبت به «انجام خوبی‌ها» نیز می‌توانید در رفتار عادی و روزمره خود این واقعیت را مشاهده نمایید. چنان‌که گاهی در کنار بسیاری از خوبی‌ها، ایجاد یک خرابی، می‌تواند ثمره همه زحمات شما را از بین ببرد. و یک اشتباه ممکن است بین شما و موفقیت، و بین شما و دوستان نزدیکتان آن‌چنان فاصله‌ای بیندازد که قابل جبران نباشد.

البته توجه می‌فرمایید که ما در زندگی عادی معمولاً چنین اشتباهات نامعقولی نمی‌کنیم؛ و این می‌تواند درک توضیح ما را دچار اشکال کند. ولی با کمی تأمل می‌توانیم این حقیقت را، که اهمیت ترک بدی‌ها از انجام خوبی‌ها بیشتر است؛ بپذیریم.

نگاهی به روایات

در روایات و روش‌های تربیتی آیات قرآن هم می‌شود تأییدهای فراوانی برای این معنا پیدا کرد. در مورد اولویت داشتن ترک بدی‌ها بر انجام خوبی‌ها در کلامی از امیرالمؤمنین علی(ع) این تصریح به‌خوبی دیده می‌شود که فرموده‌اند: «اجتناب السَّيِّئَاتِ أَوْلَى مِنْ اِكْتِسَابِ الْحَسَنَاتِ؛ دوری کردن از بدی‌ها مهم‌تر از انجام خوبی‌هاست.» (۳)

و اساساً این قاعده مهم اخلاقی بسیار مشهور است که ترک گناه از کسب ثواب اهمیت بیشتری دارد. شما می‌توانید این مطلب را در برخی از مقاطع خاص معنوی هم مشاهده کنید.

مثلاً گاهی وارد شدن یک اشتباه در نماز، تمام نماز را باطل می‌کند. یا در بحث اخلاص، داخل شدن یک درصد نیت غیر خدایی، کل عمل را فاسد می‌نماید، و دیگر به بقیه بخش‌های خوب نیت شما اعتنایی نمی‌شود.

خُب وقتی اساساً ترک بدی‌ها بر انجام خوبی‌ها اولویت داشته باشد، در تقوا هم که بناست دربردارنده همه فضائل باشد، این تقدیم باید پیدا باشد؛ و هست. این تلاش برای خودداری از گناه و انفعال در مقابل بدی‌ها، نه‌تنها خود، حُسن برجسته تقواست، چه رسد به اینکه بخواهد چیزی از حسن فعال بودن و بخش‌های ایجابی تقوا بکاهد، بلکه ناشی از روحیه فَعَالی است که در اهل تقوا پدید می‌آید و انسان را برای رسیدن به خدا به تلاش وادار می‌کند.

علت ترجیح ترس بر امید در معنای تقوا

اما در مورد ترجیح ترس بر امید در معنای تقوا، بدون آنکه بخواهیم به بحث خوف و رجاء بپردازیم که مجال مفصل و مستقلى می‌خواهد و در این مختصر فرصت آن نیست، باید گفت برای ترک بدی‌ها بیشتر ترس است که به‌کار می‌آید تا امید. هرچند این دو همیشه باید با هم باشند تا کارکرد مطلوب خود را داشته باشند، ولی برای تقوا اگر ترک اولویت دارد، لاقلاً به مناسبت آن، ترس هم ترجیح پیدا می‌کند.

لذا وقتی گفته می‌شود «پرهیز»، معنای ترک و ترس هر دو به ذهن می‌رسند و به‌جا هم هست. امام صادق(ع) درباره اهل خوف می‌فرماید:

«إِذَا خَافَ هَرَبٌ وَ إِذَا هَرَبَ نَجَا؛ وقتی ترسید فرار می‌کند، و وقتی فرار کرد، نجات پیدا می‌کند.» (۴) خوف عامل گریز و فرار می‌شود که نتیجه آن نجات است.

تفاوت ترس تقوا با ترس‌های زندگی

اما آنچه مهم است این است که بدانیم این ترس، از نوع همان ترس‌های نابودکننده و آرامش‌برنده‌ای نیست که ما در هراس‌های زندگی مدام آن را تجربه می‌کنیم و از آن رنج می‌بریم. ترس عاشقانه و ترس ناشی از امید، نمونه‌هایی از ترس‌های گرمابخش و نیروزا هستند که نه‌تنها وجود انسان را سرد نمی‌کنند، بلکه روح انسان را به پرواز درمی‌آورند و قلب را قوت می‌بخشند.

تصوّر ترس عاشقانه اهل تقوا

کسانی که می‌خواهند با شیرینی تقوا آشنا شوند، چاره‌ای ندارند جز اینکه ترس عاشقانه را تجربه کنند و یا لاقلاً آن قدر فکر کنند که بتوانند آن را تصوّر، امکانش را تصدیق و در نهایت آن را تمنا نمایند.

چرا سخت باشد تصوّر این گونه ترس: که بعضی‌ها از «از دست دادن خدا» می‌ترسند، چون او را دوست دارند، و یا از «به دست نیاوردن خدا» می‌ترسند، چون او را دوست دارند، و یا از «فاصله گرفتن از خدا» می‌ترسند، چون نزدیک بودن به او را دوست دارند. و هر چقدر این دوست داشتن افزایش پیدا می‌کند، آن ترس هم فزونی می‌یابد. به حدی که گاهی از شدت این ترس، که از شدت آن محبت است، از عذاب دوزخ می‌ترسند و از یاد آن نالان می‌شوند.

حالا ببینیم رابطه رمضان با تقوا چیست و چگونه روزه آورنده تقواست و امید دستیابی به آن را در دل انسان زنده می‌کند؟

* فهرست تفصیلی کتاب «شهر خدا» را می‌توانید در «پایگاه اطلاع رسانی نشر آثار و دیدگاه‌های حجت الاسلام پناهیان» به نشانی bayanmanavi.ir ببینید.

۱. سوره حجرات، آیه ۷.

۲. بحارالأنوار، ج ۶۷ ص ۲۹۴، باب ۵۶.

۳. كشف الغمّه، ج ۱، ص ۷۵.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸، ج ۱۳۳۲.

